

عمل صالح

در شماره گذشته عرفان اسلامی را بطور مختصر شرح دادیم و گفتیم که اسلام با استفاده از نیروی معنوی انسان خوی حیوانی و خود خواهی را تعدیل می کند و افراد بشر را عناصر مفید ببار می آورد و توضیح دادیم که عرفان اسلامی غیر از معنائی است که مادیون و پاره ای از مسالك عرفانی قصد کرده و آن را به ترك علائق دنیوی و گوشه نشینی تعبیر میکنند .

واصولا غیر این نباید باشد زیرا فرق بین يك دین یا قانون طبیعی با غیر آن اینست که دین طبیعی مرتکز بر حقایق است و غیر آن بر خیال و اوهام و بدیهی است قانون طبیعی لازمال و پایدار میماند اما دستوراتی که اشاء آنها وهم خیال است دوامی ندارد .

قبل از ظهور اسلام اصول دینانت حضرت عیسی (ع) سرور زمان دستخوش تحریف و تعبیر گردیده و رخوت و سستی جانشین کار و کوشش شده بود . اسلام در ضمن این که اساس عرفان و معنای دین مسیح را تأیید میکند انحرافات را که بقاء کهنانت و رهبانیت بحساب دین بدید آورده بودند مردود و خلاف حق می شمارد (بعد از انبیای گذشته رسولانی فرستادیم و پس از ایشان عیسی را برگزیدیم و انجیل را باو دادیم و دلهای پیروان انجیل را نرم و مهربان کردیم و ایشان برای رضای خدای رهبانیتی را ابداع کردند که مانوشته بودیم ولی حق آنرا مراعات نکردند و دچار افراط شدند) (۱) با توجه باین آیه معلوم میشود اسلام که با اینکه اساس عرفان را تا حدی قبول میکند و مدوح می شمارد زیاده روی در آن را نسی پذیرد و مضر میدانند زیرا جلو گیری و نهی از کار خلاف حق از وظائف ادیان حقه است تباه گردانیدن مردم و پیهوده کردن نیروی فعاله اگر چه بنام دین باشد امری است غیر طبیعی و خلاف حق و چنین عمل

(۱) ثم قفینا علی آثارهم رسلنا و قفینا بعیسی ابن مریم و آتیناه الانجیل و جعلنا من قلوب الذین اتبعوه رحمته و رأفه و رهبانیه ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا بشقاء رضوان الله فما رعوها حق رعایتها فاتینا الذین امنوا منهم اجرهم و کثیرا منهم فاسقون

گنج شایگان ————— عمل صالح

نیتواند مورد قبول شارع و پروردگار می باشد که اساس جهان را روی حرکت و کار نهاده است افرادی که به تنبلی و تباهی خود لباس دین می پوشانند و رکود و سستی خویش را زیر سپر دین مخفی میکنند مرتکب جنایت میشوند زیرا هم خود را ضایع و فاسد میکنند و هم خیانتی بدین کرده پیرایه ای می بندند .

آیه لیس للانسان الا لهی سخن قرآنست که مطابق و موازی زبان حال طبیعت رازمهم پیروزی را آشکار میکند و سعادت را در قانون سعی و عمل میجوید ولی ازدیده قرآن هر عملی مفید نیست چه بسا کوششها نیکه منشاء محن و آلام است اسلام عملی را مفید و مقدمه سعادت می شمارد که منتج آثار مثبت و خیر برای عالم اجتماع باشد اگر دقیقاً علت بدبختی و گرفتاری عالم اجتماع بشری را بجوئیم معلوم میشود یا اصلاً کوششی در میان نبوده و یا اینکه عمل از مجرای طبیعی خارج شده و در نتیجه عقیم مانده و یا نتیجه معکوس بیار آورده است .

مثلاً برای رشد بدن ورزش لازم است هرگاه کسی ورزش نکند و یا شرایط و مقدمات ضروری ورزش را از لحاظ ظرفیت و استطاعت جسمانی و هوا و ... مراعات نکند طبیعی است عدم کوشش یا سعی غیر منطقی ضعیف جسمی را از بین نبرده بلکه مزید بر علت خواهد شد این قاعده در دشواری اجتماعی نیز حاکمست یعنی سعی و عمل موقعی مطلوب و با ارزش است که در مجرای مثبت و مفید اعمال شود (بگو زبانکار ترین مردم از حیث عمل کسانی هستند که سعیشان در زندگی کم میشود « نتیجه مثبت ندارد » و در حالیکه می بندارند و اقامتاً منشاء آثار خیر و حسنه هستند) (۱) و نیز کسی که عزت و بزرگواری میخواهد بداند که عزت تماماً نزد خداست و بسوی اوست که گفتار پاکیزه بالا میرود و عمل شایسته است که آن را بالا می برد (۲)

این دستور العمل سعی مطلوب را بیان کرده و کوششی را که تار و بودش کلمه طیبه و عمل صالح باشد مورد توجه پروردگار و سر ترقی بشر قرار میدهد اسلام ارزش هر عملی را معادل نتیجه آن میدانند و با اعمال پرهیاهو که ظاهراً پراج جلوه کرده ولی در حقیقت اثر مفید عقلانی ندارد احترام نمیگذارد

(آیا عمل آب دادن به حجاج و عمارت مسجد حرام را با عمل کسی که ایمان به خدا و آخرت دارد و در راه خدا جهاد میکند برابر میدانید ایشان در پیشگاه خدا برابر لیستند . (۳)

(۱) قل هل انبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سیمهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنو

(۲) من کان یرید العزه فان الغزوة للله جمعیتاً الیه یرصد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه (۳)

(۳) جعلتکم سقایة الحاج و عمارة مسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عند الله ۹-۱۹

گنج شایگان ————— عمل صالح

حتی در قسمت اعتقادی و ایمانی که جنبه تمبیدی دارد بمباداتی که با میزان عقل و منطق نمی سازد و اثر مفیدی ندارد ارزش و اعتباری قائل نیست و ماکن صلاتهم عندالبیت الامکاء و تصدیقه فذو قوالعذاب بما کنتهم تکفرون ۸ - ۳۰ و عبادت مشترکین نزد مسجد الحرام کف زدن و صفیر کشیدن بود بچشید عذاب را به جهت کفری که ورزیدید .

واقماً جای تأسف است قرآن احوال و عبادت مشترکین را که صفیر کشیدن و کف زدن بود با لحن توپنخی بیان میکند و جزای چنین عبادتی را آتش دردناک قرار میدهد تا مسلمین را بمنطق عقل آشنا سازد و آنان را از امور بی فائده حتی بنام عبادت باز دارد پس از ۱۳۰۰ سال تذکر امروزه چقدر پولها که بنام خدا و رسول و قصد قربت بیهوده خرج میگردد . و در تحت عنوان شعائر دینی از اعمال هجو و بی فائده پشتیبانی و حمایت میشود . چقدر نیروهای برارزش بنام دین و شعار تقوی در مجرای غیرعقلانه و بیهوده تباه میگردد و جز خسران دودنیا برای عاملش اثری باقی نمیگذارد و سالها برای کسب مجهولات بی سئوته بنام معلومات بهدر میرود مبالغ بی شمار تلف میشود مغزها خسته و فرسوده میگردد نتیجه این همه سعی و کوشش های غیر منطقی بازداشتن یکمده کثیر از تفکر طبیعی و فطری و مهار زدن به عقول و سرپوش گذاشتن روی مغز و دماغ مردم است .

باید دید اولاً این اعمال با کردار مشرکین صدر اسلام چه فرق دارد ثانیاً مرتکبین این اعمال مشرکین و خدا شناسان قرن بیستم هستند یا خیر ؟ ثالثاً کردار دسته معاصر کشنده تر از اعمال اعراب جاهلیت هست یا نه ؟

بالا تراز همه پیشوایانیکه بنام حمایت از دین محکمترین ضربه را به بیکردین میزنند و توده نایبنا را درگنداب نادانی نگهمیدارند و حقائق دین را عملاً موهوم جلوه میدهند پیش خدا و قرآن چه جوابی دارند ؟

اگر توفیق یار شود در مقاله آتی از مصادیق عمل صالح از نظر قرآن بحث خواهیم کرد .

کسانیکه با ترور علمی و وارونه جلوه دادن حقایق علوم بنفع طرز تفکر غلط مادی قدم برمیدارند آزادی فکر را از بشر سلب کرده و عملاً جامعه را بقهقرا سوق میدهند .

